

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۱۳ جنوری ۲۰۱۷

"حکمتیار" در منجنيق تعزیرات

در اوایل ماه دسمبر سال ۲۰۱۶، دولت مستعمراتی کابل از شورای امنیت ملل متحد تقاضا نمود که "گلبدین حکمتیار" و حزبی (حزب اسلامی) از تعزیرات بین المللی رهائی یابند. دولت مستعمراتی کابل قبلاً معاهده صلح را با حزب اسلامی و شخص "حکمتیار" به امضاء رسانیده و هر دو جانب به توافقاتی رسیده اند. اتحادیه اروپائی به دولت کابل اطلاع داده است که قبل از رفع تعزیرات به نفع حزب اسلامی و شخص "حکمتیار"، ایجاب می کند که تحقیق و رسیدگی بیشتری در این خصوص صورت گیرد تا اتحادیه اروپائی بتواند پیشنهاد رفع تعزیرات را به ملل متحد تقدیم کند.

از موقف اتحادیه اروپائی آشکار می شود که کشور اشغال شده افغانستان و نظام مستعمراتی اش ارزش زیاد سیاسی و حقوقی نزد جامعه بین المللی ندارد که بتواند به تقاضاهایش جامه عمل بپوشاند. دولت فاسد و مزدور کابل آنقدر بی حیثیت است که حتا به تقاضای رئیس جمهورش وقعی قایل نمی شوند. فرانسه که یکی از چرخ دهنندگان عمده اتحادیه اروپائی محسوب می شود، نظر نیک نسبت به رفع تعزیرات و برداشتن نام "حکمتیار" و حزبی از لیست تروریست ها ندارد. چنانچه سفیر فرانسه در کابل طی مصاحبه تاریخی ۱۰ جنوری ۲۰۱۷ با اخبار هشت صبح منتشره کابل خاطر نشان ساخته است که:

ما مشکل دوجانبه با آقای "حکمتیار" داریم، زیرا او نه تنها مسؤلیت کشته شدن سربازان ما را به عهده گرفته است، بلکه عمداً دست به کشتار و از بین بردن سربازان ما در اثر حملات وحشیانه زده است. بدون شک سیستم داخلی ما این همه را ثبت خواهد داشت و آقای "حکمتیار" را اجازه ورود به فرانسه نخواهد داد... ما می دانیم که حلقهات فراوانی در افغانستان اند که نگران مصالحه با "حکمتیار" و برگشت او هستند. ما این نگرانیها را درک می کنیم، زیرا تاریخ هنوز زنده است و به این زودی، محو نمی شود. به هر حال، این خواست حکومت افغانستان بوده است و بر حکومت افغانستان است تا این روند را به موفقیت برساند. - ویراستاری از جانب پورتال-

از طرز کلام سفیر فرانسه در کابل بر می آید که مدت زمان برای رفع تعزیرات و برداشتن نام "حکمتیار" از لیست تروریست ها طولانی خواهد بود. روسیه هم برداشتن نام "حکمتیار" را از لیست تروریست ها عجلتاً رد کرده است. با در نظر داشت روابط گرم و حسنه فرانسه و روسیه با شورای نظار و جمعیت اسلامی، شاید این هم یک انگیزه در

مخالفت این دو کشور در رفع تعزیرات باشد. باوجودی که حزب اسلامی هنوز هم در حلقه بردگی پاکستان قرار دارد و از اسلام آباد فرمان می برد، نزدیکی اسلام آباد با مسکو هنوز در این خصوص مثر ثمر واقع نشده و یا این که حد اقل موضوع "حکمتیار" بین این کشور مطرح بحث قرار نگرفته است.

کابل به این عقیده است که عقد معاهده صلح با حزب اسلامی که بدون کمترین تردید موافقت اولیه امریکا را داشته است، می تواند کابل و اسلام آباد را نزدیک ساخته و پاکستان را به مدارا وادار سازد. شاید کابل درک کرده باشد که اسلام آباد آنقدر زود سر خم نمی کند و زیر بار منت کابل نمی رود. پاکستان مهره های دیگری دارد: طالبان، شبکه حقانی و حتا قسمتی از جمعیت اسلامی در اختیار پاکستان اند. لذا، تنها با آوردن حکمتیار و حزیش در حلقه سیاسی کابل، اسلام آباد راضی نمی شود. پاکستان اطاعت و سر سپردگی کامل از کابل می خواهد. دولت مستعمراتی کابل باید بداند که به آغوش کشیدن حزب اسلامی باعث نمی گردد که پاکستان از طالبان منصرف شود و صلح واقعی برقرار گردد. اسلام آباد زرنگ تر از آنست که "غنی" و "عبدالله" تصور می نمایند. رابطه نزدیک کابل با دهلی و نظر نامساعد هند نسبت به "حکمتیار" و حزیش از چشمان تیز آی اس آی پنهان نمی ماند. هند توانائی سفارش منفی را در مورد رفع تعزیرات به نفع "حکمتیار" دارد، بالاخص این که بین دهلی و پاریس روابط سیاسی و نظامی گسترده برقرار شده است.

از نظر گاه فرانسه، هند و المان، "حکمتیار" و حزیش آله فشار سازمان امنیت پاکستان نه تنها در افغانستان، بلکه حتا در منطقه است. پاکستان از "گلبدین" و حزیش در تخریب شهر کابل و گاهی در به راه انداختن عملیات ضد هند در کشمیر استفاده نموده است. می باید اذعان نمود که جمعیت اسلامی، شورای نظار، حزب وحدت و اتحاد اسلامی نیز در انهدام کشور شریک جرم بوده اند. در جریان اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، حزب اسلامی در خدمت سی آی ای امریکا و ام آی ۶ برتانیه هم بود و بیشترین کمک ها را دریافت می کرد. بعد از شکست شوروی، امریکا و برتانیه کمک های خود را به "حکمتیار" به حد اقل رسانیدند. تنها پاکستان باقی ماند که تا آوردن طالبان روی صحنه سیاسی افغانستان، حمایت کامل از حزب اسلامی داشت. با ظهور طالبان، حزب اسلامی نزد دستگاه استخباراتی پاکستان کمی کسوف کرد، اما رابطه بین ایندو پا برجا باقی ماند که تا اکنون ادامه دارد. به هر حال، تصور می شود که پاکستان هم یکی از مشوقین رفع تعزیرات به نفع حزب اسلامی و شخص "حکمتیار" است تا بتواند وزن سیاسی اش را در افغانستان بالا ببرد و در صورت سقوط و یا تضعیف طالبان بدیل دیگری در اختیار داشته باشد.

نزدیکی حکمتیار با کابل استفاده دو جانبه است. دولت مستعمراتی کابل می خواهد که با استفاده از ضعف سیاسی و نظامی حزب اسلامی، این گروه را در حلقه خود در آورد و از آن در بسط نفوذ سیاسی کابل بهره برداری نماید. "غنی" و یارانش همچنان می خواهند که از موجودیت حزب اسلامی در داخل سیستم در تقابل با گروه شورای نظار و جمعیت اسلامی مستفید شوند و در صورت لزوم آنها را با هم بجنگانند. می دانیم که شورای نظار و جمعیت اسلامی هنوز هم از نفوذ قابل ملاحظه سیاسی و نظامی در افغانستان اشغال شده برخوردارند که می توانند "غنی" و یارانش را در مضیقه قرار دهند. یک بدیل دیگر مانند حزب اسلامی ولو که ضعیف هم باشد، خواهد توانست چند درصد پشتوانه برای "غنی" در برخورد احتمالی با گروه شورای نظار و جمعیت اسلامی بدهد. با نزدیکی به کابل و رفع احتمالی تعزیرات، شخص "حکمتیار" آرزو دارد که در این سن پیشرفته از قید تعزیرات رهائی یابد و مانند دیگران با ثروت بیکرانیش آزادانه دور دنیا رفت و آمد نماید و چند روزی که زنده است، عیش کند. به همین دلیل "حکمتیار" نزد امریکا سر ماند و توبه گار شد. امریکا هم بعد از تسلیمی بلا شرط "حکمتیار"، به دولت مستعمراتی کابل دستور داد که با وی و حزیش کنار بیایند. با وجود این، حزب اسلامی از جریان صلح با دولت مستعمراتی کابل راضی نیست، چنانچه یکی از

نمایندگان حزب گفته است که "حکومت افغانستان در خصوص اجرای توافقنامه صلح جدی نیست و از اقدامات انجام شده توسط دولت کابل در این خصوص رضایت چندانی ندارد".
برداشتن نام "حکمتیار" از لیست تروریست ها برای امریکا کدام مشکلی نیست، اما واشنگتن نمی تواند نظر مساعد خود را نسبت به "حکمتیار" بر روسیه و فرانسه تحمیل نماید. اینجاست که "حکمتیار" روز های دشواری را سپری می کند تا این که کدام روزنه امید برایش پیدا شود.